



درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

۹۹/۰۴/۲۱

« فهرست دروس بسم الله الرحمن الرحيم

محتویات

- ۱- حدیث اخلاقی
- ۲- خلاصه مباحث گذشته
- ۳- موضوعیت حج در برخی روایات
- ۴- تعطیلی حج مصداق تعطیلی احکام
- ۵- دو وجوب کفایی و عینی در حج
- ۶- جمع بین وجوب حج و حفظ سلامت
- ۷- مرجع شناخت اهم و مهم
- ۸- در حرمت خلو بیت فرقی بین حج و عمره نیست

موضوع: مسائل مستحدثه/مسائل کرونا /وجوب کفایی اقامه بیت

الله در ایام کرونا

۱- حدیث اخلاقی

از حضرت امام حقایق امام صادق علیه السلام در کافی شریف و در بحار است و حدیث صحیحی است. ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنمای تقریر نویسی

پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

دریافت نرم افزار

زمان درس ها

نحوه گفتگو

تالارها

امکانات جانبی

سوالهای متداول

مشکل نمایش حروف فارسی

محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن البرقي، عن خلف بن حماد، عن أبان بن تغلب قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: الحجة قبل الخلق ومع الخلق وبعد الخلق. [۱]

یکی از احادیثی که می‌توانیم بگوییم حجت بر همه است چه دوست و چه دشمن و حجت بر همه عالم است، همین روایت است. حجت پیش از آفرینش هست، با آفرینش هم هست و بعد از آن نیز هست.

حجت معانی مختلفی دارد ولی اینجا یعنی امام و انسان کامل. حجت در اینجا از اوصاف ویژه امام است. امام حجت است چون دلیل و نور بر همه است. همه به نور وجودی او بهره‌مند می‌شوند و همه مسکوت به حقیقت امام هستند. این جمله قابل دقت است.

چطور دلیل را حجت می‌گوییم که باعث اسکات خصم و اقناع دیگران است، امام قبل از ایجاد ممکنات هست و همراه آنها هست و بعد از وجود مخلوقات هم امام هست. هست که هست.

چنانچه که در روایات داریم: **لو خلت من حجة طرفه عين**
لساخت بأهلها. [۲]

در دعای عدیله می‌خوانیم: **يُؤْمِنُهُ رُزْقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ. [۳]**

اگر قرار باشد مصداقی برای حقیقت قبل الخلق و مع الخلق و بعد الخلق بیاوریم، حضرت امام عصر روحی و ارواح العالمین له الفداء است. در مقام تشبیه همانند روح است نسبت به بدن. ایشان حامل حقیقت هستی است مانند روح که حامل بدن است. تکوینا مرزوق حضرت هستیم. ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء. چه خوب است شاکر باشیم که تشریعا هم روزی خوارش باشیم. مضاف الیه ما حضرت حجت است. ما هم بیاییم در این ایام و

این روزگاری که وا مصیبت‌ها واجزعه‌های مردم عالم بلند است به خاطر کرونا، بگوییم ما هم حجتی داریم که اگر نباشد بساخت الارض باهلها.

هرکه در این دار مقرب‌تر است جام بلا بیشترش می‌دهند
عرض امروز من این است که حال که تحت افاضه حضرت هستیم بیاییم در این ایام و لحظات این افاضه حضرت را بر خودمان بازتر کنیم و مبسوط. برنامه‌ای برای تقرب و توجه به حضرت داشته باشیم. که فقه و اصول و حالاتمان با این توجه طور دیگری می‌شود.

۲- خلاصه مباحث گذشته

نسبت به بیماری کرونا به این نتیجه رسیدیم در رابطه با واجبات اسلامی، ملی، دینی و جهانی ما مانند حج که گاهی استطاعت حاصل نمی‌شود؛ چرا که مانعی هست. مثلاً دولت عربستان نمی‌گذارد. پیشنهاد رفع مانع را هم گفتیم. گاهی راه باز است. وجوب مراقبت از واگیری کرونا و حضور در حج واجب که این قدر در اسلام به آن تأکید شده است هر دو را داریم.

۳- موضوعیت حج در برخی روایات

برخی حج را فقط با یک وجوب مقایسه می‌کنند ولی به نظر ما فروع مختلفی دارد. یک عنوان این است که در کرونا با واجب‌های مختلف مانند وجوب حج با این عنوان برخورد می‌کنیم که حج وجوب کلی‌ای است که تعطیل‌بردار نیست حدود ده روایت را در عدم جواز تعطیل الکعبة مرحوم صاحب وسائل مطرح فرمودند:

از جمله وصیت امیر المؤمنین علیه السلام را: **وَاللّٰهُ اللّٰهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا تُخْلَوْهُ مَا بَقِيْتُمْ، فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكَ لَمْ تُنَظَرُوا.** [۴] که با عنوان بیت رب آمده بود.

وعن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن فضالة بن أيوب، عن أبي المعزاء، عن أبي بصير يعني المرادي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لا يزال الدين قائما ما قامت الكعبة ورواه الصدوق مرسلا، ورواه في (العلل) عن أبيه، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن الحسن بن الحسين اللؤلؤي، عن الحسن بن علي بن فضال، عن أبي المعزاء مثله. [٥]

محمد بن علي بن الحسين قال: روي أن الكعبة شكت إلى الله عز وجل في الفترة بين عيسى ومحمد صلى الله عليه وآله، فقالت: يا رب مالي قل زواري؟ مالي قل عوادي؟ فأوحى الله إليها أني منزل نورا جديدا على قوم يحنون إليك كما تحن الانعام إلى أولادها، ويزفون إليك كما تزف النسوان إلى أزواجها يعني أمة محمد صلى الله عليه وآله. [٦]

وفي (العلل) عن محمد بن علي ماجيلويه، عن عمه محمد بن أبي القاسم، عن محمد بن علي الهمداني، عن علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: أما إن الناس لو تركوا حج هذا البيت لنزل بهم العذاب وما نوظروا. [٧]

وعن أبيه عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد عن حماد، عن ربعي، عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام إن ناسا من هؤلاء القصاص يقولون: إذا حج الرجل حجة ثم تصدق ووصل كان خيرا له، فقال: كذبوا لو فعل هذا الناس لعطل هذا البيت، إن الله عز وجل جعل هذا البيت قياما للناس. [٨]

اینها به حج یک موضوعیت می دهد. این موضوعیت احکامی دارد که آنها طریق به این موضوع هستند. برخی از آن احکام هم موضوعیت دارند. در نتیجه تعطیل حج حرام است. اگر دولتی، ملتی یا شخصی ممانعت کند کار حرام مرتکب شده است. از سویی دایر بودن حج و مشاهد کریمه امر واجب است. در برخی

موارد اصلاً سالبه به انتفاء موضوع است و به خاطر ممانعت وجوب می‌رود.

بحثی است که حاکمیت در حج آیا عدل است یا خیر؟ در آیه شریفه است که جز متقین کسی نمی‌تواند خادم حجاج باشد.

﴿وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ ۚ إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾
[۹]

حکومتی که کشتار انجام می‌دهد و خود را خادم الحرمین می‌داند چگونه است؟ عنوان متقی دارد؟

پس بحث حرمت تعطیلی بیت و وجوب اقامه بیت است. هم دلیل نقلی داریم و عقل می‌گوید تعطیلی احکام به طور کلی جایز نیست.

۴- تعطیلی حج مصداق تعطیلی احکام

در کلیه مسائل که بحث می‌کنید تاریخ مسأله را به دست بیاورید. گرچه زحمت دارد ولی مفید است.

(۱) فخر المحققین اولین کسی است که معتقد است اگر مجتهد جامع الشرایطی قضاوت نکند منجر به تعطیلی احکام قضاوت می‌شود. [۱۰] از سویی وجوب قضاوت عینیت پیدا می‌کند و واجب است عده‌ای این واجب را دایر کنند. این مطلب قابل توجه قوه قضاییه است. اگر چند مجتهد شرایط قضاوت را دارند و انجام ندهند ترک واجب کرده‌اند و ترک واجب مسقط عدالت است.

(۲) شخصیتی مانند ابن فهد حلی این انسان متخلق و فقیه در کتاب خود المذهب البارع می‌گوید که احکام الهی باید دایر باشد و گرنه منجر به تعطیل نظام می‌شود. [۱۱]

(۳) مرحوم حکیم هم واقعا نظریات حکمت‌آمیز خوبی دارد. خاندان با برکتی برای عراق بوده و هستند خداوند ارواح همه‌شان

را شاد کند.

در تعریف عدالت می‌گویند: اگر قرار باشد عدالت را با آن مرحله‌عالیه حساب کنیم که تالی تلو معصوم باشد، ترک فتوا و حکم شاید مستلزم تعطیل احکام باشد. شهادت و جماعات که مشروط به شرط عدالت است از بین می‌رود. این مسأله در هر مرحله که حاصل بشود کافی است.

ثُمَّ إِنَّ مَلَكَةَ الْعَدَالَةِ مِنَ السُّتْرِ وَالْعَفَافِ وَالصَّالِحِ وَنَحْوِهَا مِمَّا ذَكَرَ فِي النُّصُوصِ ذَاتَ مَرَاتِبٍ مُتَفَاوِتَةٍ جَدًّا تَفَاوُتَ سَائِرِ الْمَلَكَاتِ بِالْقُوَّةِ وَالضَّعْفِ ، يَكْفِي فِي ثَبُوتِهَا أَدْنَى مَرَاتِبِهَا ، وَلَا يَنَافِي وَجُودُهَا ارْتِكَابُ الْمَعْصِيَةِ وَلَوْ كَانَتْ كَبِيرَةً لَجَوَّازُ غَلْبَةِ الْمَزَاحِمِ مِنْ قُوَّتِي الشَّهْوَةِ وَالْغَضَبِ عَلَيْهَا ، كَمَا لَا يَنَافِي وَجُودَ سَائِرِ الْمَلَكَاتِ . كَمَلَكَتِي الشَّجَاعَةِ وَالْكَرَمِ . تَخْلَفُ مُقْتَضَاهَا أحياناً ، وَلِذَا قِيلَ : « إِنَّ الْجَوَادَ قَدْ يَكْبُو وَالسَّيْفُ قَدْ يَنْبُو » . وَلَيْسَ الْمُرَادُ مِنْهَا خُصُوصُ الْمَرْتَبَةِ الْعَالِيَةِ الَّتِي لَا يَتَخَلَفُ مُقْتَضَاهَا ، وَلَا يَغْلِبُهَا الْمَزَاحِمُ . فَانْ ذَلِكَ خِلَافَ إِطْلَاقِ الْأَدْلَةِ ، وَيَسْتَوْجِبُ نَدْرَةَ وَجُودِهَا جَدًّا بَلْ يَمْتَنِعُ إِحْرَازُ وَجُودِ هَذِهِ الْمَرْتَبَةِ فِي أَكْثَرِ الْأَعْصَارِ ، فَيَلْزِمُ مِنْهُ تَعْطِيلُ الْأَحْكَامِ وَاخْتِلَالُ النِّظَامِ . [١٢]

برگزاری حج مصداق اقامه دین

اقامه واجبات جزو اولین واجبهایی است که واجبات دیگر را هم مشروعیت می‌دهد. ما عرضمان این است که اگر اجماع را هم حجت بدانید به ادله اربعه قابل اثبات است.

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ﴾ [١٣]

شریعت یعنی فقه و احکام. نظر ما این است که گاهی آیات ما را بی‌نیاز از روایات می‌کند. چرا که در سندش و صدورش شکی نیست و باید در دلالتش بحث کنیم.

﴿ان اقيموا الدين﴾

پیامبران اولو العزم وظیفه اولی آنها اقامه دین است. این جزو اولین واجبات است. ﴿اقیموا الصلاة﴾ هم که وارد شده است در آیات و روایات همین مطلب را می گوید.

در بحث حج یک واجب اقامه حج داریم که اقامه دین است و دیگری حرمت تعطیلی احکام حج. هر دو پشتوانه این می شوند که باید بگوییم از وظایف دولت و ملت و فرد و جمع این است که حج تعطیل نشود.

۵- دو وجوب کفایی و عینی در حج

حج اهم است یا مراقبت از کرونا و حفظ صحت؟ آیا به تعبیر دیگری تعطیل نشدن احکام الهی اهم است و یا حفظ جان؟

ما در جمع بین این روایات (آیات که صراحت دارد) برخی راجع به تعطیل نکردن حج است. آیات هم می فرماید حج مشروط به استطاعت است. برخی از این روایات می فرماید: علی اهل الجدة فی کل عام حجّ.

محمد بن یعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن موسى بن القاسم البجلي، وعن محمد بن يحيى، عن العمري بن علي جميعا، عن علي بن جعفر عن أخيه موسى عليه السلام قال: إن الله عز وجل فرض الحج على أهل الجدة في كل عام، وذلك قوله عز وجل: " ولله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلا ومن كفر فإن الله غني عن العالمين " قال: قلت: فمن لم يحج منا فقد كفر؟ قال: لا ولكن من قال: ليس هذا هكذا فقد كفر. [۱۴]

کسانی که ثروت و قدرت دارند باید هر سال حج بروند. ما در اینجا در عنوان حج دو وجوب داریم یک وجوب عینی داریم که مشروط به استطاعت است. صاحب وسائل [۱۵] و صاحب حدائق [۱۶] این بحث را مطرح کردند که نسبت به استطاعت وجوب حج عینی است ولی نسبت به فی کل عام وجوب کفایی است چرا که بیت نباید تعطیل شود.

ما دو وجوب داریم:

یکی کفایی و دیگری عینی.

۶- جمع بین وجوب حج و حفظ سلامت

در تراحم بیماری کرونا با بحث حج با هر دو وجوب تراحم دارد. وجوب الحج کفایی و وجوب الحج عینی چه می‌شود؟ در تراحم بین کفایی و عینی در اصول گفته‌ایم وجوب عینی مقدم است. شکی نیست که سرایت قطعی یا ظنی و احتمالی است و در هر صورت اهمیت دارد. باید چه کنیم؟ اگر حکم عینی حج، ملازم با تعطیلی حج باشد و اقامه حج جزو اقامه دین باشد، که از نفس دلیل وجوب عینی حج اهمیتش را می‌فهمیم، حج مقدم بر موارد دیگر است. دولت‌ها و افراد مسئولیت مدیریت حج را دارند نه لغو آن را. مگر اقامه حج در زمانی و سالی مواجه باشد با زیر سؤال رفتن اصل دین. در این صورت اصل بر فرع مقدم است.

در بحث وجوب کفایی حج یعنی در فی کل عام علی اهل الجدة عرض می‌کنیم مراقبت‌های ویژه از کرونا و مننژیت باید بشود. سال‌ها واکسن مننژیت را می‌زدند و می‌رفتند. حج باید اقامه شود ولی با مدیریت. برخی مریض‌ها وظیفه خودشان را می‌توانند انجام دهند.

اگر کسی را پوششی یا لباس مخصوصی می‌تواند برود چه اشکالی دارد؟ اگر اقامه حج مستلزم این بود که روی لباس احرام لباس دیگری بپوشند چه اشکالی دارد؟ در وجوب عینی مدیریت اقامه آن لازم است و ترکش حرام است. اولین کس هم مدیران هستند.

حجة الاسلام بحثی است و اقامه بیت بحث دیگری است.

مرحوم سید رضوان الله تعالی علیه در بحث مزاحمت با واجب یا حرامی به طور کلی اهم و مهم را مطرح نکردند.

(مسألة ۶۶): إذا حجّ مع استلزامه لترك واجب أو ارتكاب محرّم لم يجزه عن حجة الإسلام، و إن اجتمع سائر الشرائط، لا لأنّ الأمر بالشىء نهى عن ضده، لمنعه أوّلاً، و منع بطلان العمل بهذا النهى ثانياً، لأنّ النهى متعلّق بأمر خارج بل لأنّ الأمر مشروط بعدم المانع. [۱۷]

مرحوم امام و مرحوم آقای بروجردی ولی طور دیگری فرمودند که ما هم همین نظر را داریم.

اگر کسی با عنوان مانع و ارتکاب حرام به حج برود مجزی از حجة الاسلام او نیست. حکم وضعی آن هم بطلان است. حرمت هم دارد. مثلاً بیماری کرونا آمده است و به حج رفت. این مجزی از حج نیست و درست نیست. حکم تکلیفی حرمت و حکم وضعی بطلان است.

مرحوم امام و مرحوم آقای بروجردی در تعلیقه همین بحث عروه دارند:

مرحوم امام: **الأقوى الإجزاء و لو استلزم لترك الأهمّ فضلاً عن غيره و مرّ الإشكال فى تعليله.** [۱۸]

مرحوم آقای بروجردی: **مع كونه أهمّ.** [۱۹]

اگر ترك واجب اهم باشد باعث حرمت و بطلان می شود.

۷- مرجع شناخت اهم و مهم

شناخت اهمیت به چه کسی است؟

در واجبات فردی فرد ملاک است. در واجبات جمعی و حکومتی، دولت و حاکمیت حاکم در تزامن است.

چون ولایت فقیه را تداوم رسالت و امامت می دانیم، تخلف از حکم فقیهی که حکم بدهد جایز نیست. اگر حاکم اسلامی گفت امسال امنیت و سلامت نیست به حج نروید، باید تبعیت کرد. اگر این طور باشد حکم حکومتی را دارای اهمیت می دانیم. از خود وجوب اهمیت استفاده می شود. حرف امام و آیت الله

بروجردی تأمین می‌شود. نه تنها وجوب می‌رود که رفتن حرام می‌شود و نهی در عبادات باعث فساد و بطلان است. اگر حکم حکومتی نکرد و به تشخیص فردی موکول کرد در این صورت اگر کسی رفت حجهش بعید نیست که مجزی از حجة الاسلام باشد.

۸- در حرمت خلوت بیت فرقی بین حج و عمره نیست

این روایات را عنایت کنید که در برخی عنوان بیت و در برخی عنوان مدینه هم در آن مطرح شده است. وسائل الشیعة عنوان مقام عند مکه و عند مدینه دارد. یعنی فرد مقیم شود و اقامه شعائر را کند.

لو عطلوه سنة واحدة در روایت آمده است.

عن أحمد بن محمد، عن محمد بن إسماعيل، عن حنان بن سدير، عن أبيه قال: ذكرت لأبي جعفر عليه السلام البيت فقال: لو عطلوه سنة واحدة لم يناظروا. [۲۰]

از سویی روایاتی است که بیت نباید از زائر خالی شود. ما در بحث حج گفتیم فرقی بین حج و عمره نیست. این دائر مدار بودن را در کل سال قائل هستیم نه فقط در حجة الاسلام. اقامه حج و عدم تعطیلی در کل سال دائر است. امثال تکلیف دائر مدار دو تکلیف است یا به اقامه حج و یا اقامه عمره. عمره هم احیای بیت است.

حمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عمر بن أذينة قال: كتبت إلى أبي عبد الله عليه السلام بمسائل بعضها مع ابن بكير وبعضها مع أبي العباس فجاء الجواب باملأته: سألت عن قول الله عز وجل: " ولله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلا " يعني به الحج والعمرة جميعا لأنهما مفروضان. [۲۱]

مبنای فقهاتی ما همین روایت است که صحیح است. عمره هم جزو واجبات می‌شود. اگر عنوان خلو البیت را به آن بدهیم. آیا اقامه الاربعین از اقامه‌الدین است یا خیر؟ اگر حکم مستحبی تبدیل به اقامه دین شد باید معامله وجوب کنیم یا استحباب؟ اگر اقامه دین شد دیگر مستحب نیست. اگر مدینه در حال خالی شدن است یا کربلا در حال خالی شدن است، بعید نیست اربعین و زیارت هم واجب باشد.

تزام بین واجبات است نه واجب و حرام. بین عمره و حج هم فرقی نیست. باید خلو بیت را هم تأمین کنیم. وظیفه حاکم را هم باید ببینیم چیست؟

-
- [۱] الکافی- ط الاسلامیة، الشیخ الكلینی، ج ۱، ص ۱۷۷.
 - [۲] کمال الدین و تمام النعمة، الشیخ الصدوق، ج ۱، ص ۲۰۴.
 - [۳] کلیات مفاتیح الجنان، قمی، شیخ عباس، ج ۱، ص ۸۵.
 - [۴] نهج البلاغة، الدشتی، محمد، ج ۱، ص ۲۸۶، نامه ۴۷.
 - [۵] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۸، ص ۱۴، أبواب وجوب الحج و شرائطه، باب ۶، ح ۵، ط الإسلامیة.
 - [۶] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۸، ص ۱۴، أبواب وجوب الحج و شرائطه، باب ۶، ح ۶، ط الإسلامیة.
 - [۷] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۸، ص ۱۴، أبواب وجوب الحج و شرائطه، باب ۶، ح ۷، ط الإسلامیة.
 - [۸] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۸، ص ۱۴، أبواب وجوب الحج و شرائطه، باب ۶، ح ۸، ط الإسلامیة.
 - [۹] انفال/سوره ۸، آیه ۳۴.
 - [۱۰] إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد، الحلبي، فخر المحققين، ج ۴، ص ۳۰۰.

[١١] المذهب البارع في شرح المختصر النافع، ابن فهد الحلبي،

ج ٤، ص ٤٦١.

[١٢] مستمسك العروة الوثقى، الحكيم، السيد محسن، ج ١،

ص ٥١.

[١٣] شوری/سوره ٤٢، آیه ١٣.

[١٤] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٨، ص ١٠، أبواب

وجوب الحج و شرائطه، باب ٢، ح ١، ط الإسلامية.

[١٥] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٨، ص ١٠، ط

الإسلامية.

[١٦] الحقائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، البحراني، الشيخ

يوسف، ج ١٤، ص ٢٢.

[١٧] العروة الوثقى فيما تعم به البلوى (المحشّ؟)، الطباطبائي

اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٤، ص ٤٢٧.

[١٨] العروة الوثقى فيما تعم به البلوى (المحشّ؟)، الطباطبائي

اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٤، ص ٤٢٧.

[١٩] العروة الوثقى فيما تعم به البلوى (المحشّ؟)، الطباطبائي

اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٤، ص ٤٢٧.

[٢٠] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٨، ص ١٣، أبواب

وجوب الحج و شرائطه، باب ٤، ح ٣، ط الإسلامية.

[٢١] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٨، ص ٣، أبواب

وجوب الحج و شرائطه، باب ١، ح ٢، ط الإسلامية.



